

# ترجمه مرصاد العباد

نصرالله بورجویی

مکتب تصوف خاص ایران زمین و مشایخ فارسی زبان حائز اهمیت است. در مورد تعهد نویسنده به قرآن و حدیث نیز، همان طور که مترجم انگلیسی در مقدمه خود اشاره کرده، این اثر مقام خاصی در ادبیات صوفیه احراز کرده است. استناد و استشهاد مکرر نویسنده به آیات قرآن و ابتدا کردن هر فصل با آیه و حدیثی از نبی اکرم (ص) نشان می‌دهد که نویسنده تا چه اندازه نسبت به اساس قرآنی و تعالیم نبوی تصوف التزام داشته است.

ترجمه این اثر به زبان انگلیسی که به همت محقق مسلمان حامد الگار انجام گرفته و اخیراً منتشر شده است یکی از قدمهای بسیار مؤثر در راه معرفی تصوف اسلامی به خوانندگان انگلیسی زبان است. اثر مؤلف در این کتاب اگرچه فنی نیست، ولی خالی از آراستگیهای ادبی و صنایع معمول در نثر قرن ششم نیست و مترجم سعی کرده است سبک اصلی نویسنده را حتی المقدور در ترجمه خود حفظ کند. از مزایای این ترجمه یادداشتهایی است که به صورت پاورقی در صفحات متن ترجمه آمده است. در این یادداشتها علاوه بر ذکر شماره آیات و سوره‌های قرآن و مأخذ اصلی احادیث و سخنان بزرگان، پاره‌ای از اصطلاحات نیز شرح شده است، و از این نظر، همان گونه که مترجم مدعی شده است، این ترجمه خود نوعی شرح است بر این کتاب، گرچه شرحی مختصر.

از فواید دیگر این ترجمه مقدمه مترجم است که در سه بخش تدوین شده است. در بخش اول تاریخچه مختصری از سلسله کبرویه (منسوب به نجم‌الدین کبری) که نجم‌الدین دایه بدان تعلق داشته آمده است. در بخش دوم شرح احوال و سفرها و سوانح زندگی مؤلف از زمان تولد او در سال ۵۷۳ در ری تا فوت

*The Path of God's Bondsmen from Origin to Return.* By Najm al-Dīn Rāzī (Dāya).  
Trans. Hamid Algar. Caravan Books. Delmar, N.Y. 1982.

مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد یکی از شاهکارهای متون صوفیانه در زبان فارسی است. این اثر بزرگ در اوایل قرن هفتم توسط نجم‌الدین رازی معروف به دایه نوشته شده و از بدو تألیف جزو مهم‌ترین و پرخواننده‌ترین متون صوفیه بوده است. زیبایی و دلنشینی نثر کتاب، اشمال آن بر تقریباً همه جنبه‌ها و مباحث تصوف، و اصرار نویسنده در مبتنی ساختن تصوف بر قرآن و حدیث و حفظ شعایر اسلامی و عبادات و احکام شرعی از عواملی است که همواره موجب موفقیت این اثر بوده و به همین دلیل نسخه‌های خطی فسران از این کتاب استنساخ شده و در کتابخانه‌های مختلف موجود بوده است. مرحوم فروزانفر نثر این کتاب را «سحر مطلق» خوانده و استاد ملک الشعرای بهار در سبک‌شناسی این اثر را از «آثار ادبی ذیقیمت» معرفی کرده است. شاید سخن فروزانفر خالی از مبالغه نباشد، ولی به هر حال قول بهار را نمی‌توان انکار کرد. از حیث تنوع مطالب نیز این کتاب کم نظیر است و کم و بیش شامل همه نکات و دقایقی است که طی سه چهار قرن در میان عرفا و صوفیان ایرانی پرورده شده است. حتی برای پی بردن به اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی و سیاسی زمان مؤلف نیز این کتاب در نوع خود بی‌نظیر است. نجم‌الدین اگرچه معاصر شیخ اکبر محیی‌الدین ابن عربی بوده و با شاگرد بزرگ او، صدرالدین قونوی، معاشر بوده است، به هیچ وجه از مکتب شیخ متأثر نشده و از این لحاظ کتاب او برای شناخت

غلط نیست، ولی تعدد آنها نکته‌ای را که در معنی سر است به انگلیسی منتقل نمی‌کند. این مسامحه حتی در ترجمه دو لفظ فارسی به یک لفظ انگلیسی نیز دیده می‌شود. نمونه آن لفظ knowledge است که هم برای ترجمه علم از آن استفاده شده و هم برای ترجمه معرفت. لفظ معرفت لا اقل یک بار به cognition ترجمه شده و آن در جمله زیر است:

مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم آلت محبت و بندگی بکمال دارد و هم آلت علم و معرفت بکمال دارد (متن ریاحی، ص ۴۱).

Therefore a combination was needed of the two worlds, spiritual and corporeal, a combination that should possess in perfect degree the means of love and servitude and of knowledge and cognition. (P. 64)

در این جمله ملاحظه می‌شود که برای ترجمه معرفت از لفظ cognition استفاده شده، در حالی که در عبارت زیر این لفظ به knowledge ترجمه شده است:

بدان که مقصود از آفریدن موجودات وجود انسان بود، و مقصود از وجود انسان معرفت بود و آنج حق تعالی آن را امانت خواند معرفت است. و قابل تحمل بار امانت انسان آمد. (ص ۱۴۵).

...know that the purpose for the creation of all beings is the existence of man, that the purpose for the existence of man is knowledge, which is what God Almighty has designated as the Trust, and that man alone has proved able to bear the burden of the Trust. (P. 166)

لفظ معرفت در جمله اخیر درست به همان معنایی است که در جمله پیش بود، و لذا دلیلی ندارد که مترجم در ترجمه از لفظ واحد استفاده نکند.

در مطالعه جمله اخیر هر خواننده فارسی‌زبانی که اندک آشنایی با قرآن و متون عرفانی داشته باشد بی‌درنگ درمی‌یابد که مؤلف در اینجا به این آیه قرآن اشاره می‌کند که می‌فرماید: «انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال...» ولی معلوم نیست خواننده انگلیسی‌زبان این مطلب را درک کند، و لذا بهتر بود که مترجم شارح در باور قوی خود به این مطلب اشاره می‌کرد.

او در ۶۵۶ در بغداد آمده است. بالأخره در بخش سوم مقدمه خصوصیات کلی مرصاد العباد از جمله بحث درباره معنی عنوان کتاب و فضایل و امتیازات اثر ذکر گردیده است. از جمله خصوصیات که مترجم برمی‌شمارد اصرار نویسنده در قرآنی جلوه دادن تصوف و عقاید صوفیه است؛ و دیگر ارتباطی است که نجم‌الدین میان عالم صورت و معنی، عالم ظاهر و باطن، یا عالم صغیر و کبیر برقرار می‌کند و مراحل سیر و سلوک را به مراحل رشد دانه و تولد مرغ از بیضه تشبیه می‌کند. اطلاعات تاریخی و اجتماعی عصر نویسنده و نظم و ترتیب و تدوین کتاب و اثر دلنشین آن خصوصیات دیگری است که مترجم در این بخش از مقدمه به آنها اشاره کرده است.

از مرصاد العباد دو تحریر در دست است. تحریر نخستین در رمضان ۶۱۸ بعد از این که نویسنده به قیصریه رفته بنا به درخواست مریدان نوشته شده و تحریر دوم در رجب ۶۲۰ در شهر سیواس پایان یافته است. تحریر دوم کاملتر از اول است. هر دو تحریر به تفکیک از هم توسط دکتر محمد امین ریاحی در سال ۱۳۵۲ تصحیح شده و ضمن انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ و منتشر شده است (اخیراً نیز برگزیده مرصاد العباد به همت دکتر ریاحی به چاپ رسیده است). ترجمه انگلیسی که اولین ترجمه این کتاب به یک زبان اروپایی است از روی متن مصحح ریاحی انجام گرفته است.

ترجمه انگلیسی مرصاد العباد بدون شک ترجمه‌ای نسبتاً دقیق و موفق است، گرچه خالی از اشکالات جزئی نیست. یکی از این اشکالات آزادی عمل نویسنده در انتخاب معادلهای مختلف برای یک لفظ است. نگارنده بخشهایی از ترجمه را با متن فارسی مقابله کرد و متوجه شد که مثلاً لفظ سر که یک اصطلاح صوفیانه است گاه به inner meaning (P. 65) و گاه به mystery (P. 68) و گاه به profound cause ترجمه شده و شاید در موارد دیگر از الفاظ دیگر استفاده شده باشد. این معادلهای هیچ یک

شاید تقاضای توضیحات زیادتر از مترجم توقع زیادی باشد، ولی از توضیحات نابجا نمی‌توان به آسانی چشم‌پوشی کرد. نمونه این توضیحات مطلبی است که در پانویست صفحه ۶۸ ترجمه در توضیح لفظ انبساط آمده است. ابتدا جمله متن فارسی را نقل می‌کنیم:

(هر چند به زحمت) می‌توان پیدا کرد. مثلاً بیت زیر (ص ۷۰):

هنسنگ زمین و آسمان غم خوردم  
نه سیر شدم نه یار دیگر کردم

چنین ترجمه شده است

I have grieved beneath the weight of heaven and earth; My grief is unquenched, and my beloved, unmatched. : (P. 99)

اگر بخواهیم ترجمه انگلیسی را به فارسی برگردانیم، چنین جمله‌ای به دست خواهیم آورد:

من زیر بار آسمان و زمین مستحمل غم شده‌ام  
غم من تسکین نیافت و یار من بی‌نظیر است

عبارت انگلیسی به بی‌رمقی برگردان فارسی ما نیست، ولی معنی آنها یکی است. در بیت اصلی عاشق به اندازه زمین و آسمان (یعنی یک دنیا) غم خورده و از این غم خوردن سیر نشده و در عین حال به معشوق دیگر هم روی نیاورده (و مشرک نشده) است، ولی در ترجمه انگلیسی این معنی اصلاً افاده نشده است.

یک مورد دیگر از اشتباهات مترجم را در جملات زیر می‌توان مشاهده کرد:

میان عاشق و معشوق کس در ننگجد. بار ناز معشوقی  
معشوق عاشق تواند کشید، و بار ناز عاشقی عاشق هم  
معشوق تواند کشید. چنانکه معشوق ناگنران (کذا) عاشق  
است عاشق هم ناگنران (کذا) معشوق است. خواست معشوق  
عاشق را پیش از خواست عاشق بود معشوق را، بلکه ناز و  
کرشمه معشوقانه عاشق را می‌رسد، زیرا که عاشق پیش از  
وجود خویش معشوق را مرید نبود، اما معشوق پیش از وجود  
عاشق مرید عاشق بود. چنانکه خرقانی گوید: «او را خواست  
که ما را خواست» (ص ۴۹).

روح را محبت نتیجه تشریف «یحیهم» بود. اگر  
«یحیهم» سابق نبود بر «یحیونه»، هیچ کس زهره نداشتی که  
لاف محبتزدی. سر این رشته از انبساط «یحیهم» باز شد.  
(ص ۴۴)

ترجمه این عبارت چنین است:

... since the love it possesses is derived from the honor of "He shall love them." If "He shall love them" did not precede "they shall love Him," none would have the temerity to boast of love. The rope of love was unwound by the expansion of "He shall love them."

این فقره را نسبتاً بتفصیل نقل کردیم تا معنی لفظ انبساط روشن شود. مؤلف می‌خواهد بگوید که اگر روح جزأت عشق ورزی را پیدا کرده و دم از «یحیونه» زده است به علت «یحیهم» (یعنی عشق معشوق با عاشق) است، و در واقع «یحیهم» موجب شده است که روح چنین گستاخی کند. لفظ انبساط هم در اینجا به معنی گستاخی است. (مقایسه کنید با داستان محمود و ایاز در سوانح احمد غزالی، فصل ۶۰). پس این «یحیهم» است که به روح جسارت بخشیده تا بی‌بایستی ادعای عشق معشوق کند. این معنی از بیتی که بلافاصله پس از جمله فوق نقل شده است بهتر درک می‌شود:

گستاخ تو کرده‌ای مرا بال خویش  
ورنه من بیچاره چه مردان توام

بنابر این، ترجمه لفظ انبساط به expansion (که معمولاً در ترجمه اصطلاح «بسط» به کار می‌رود) غلط است و جمله انگلیسی نیز مراد مؤلف را نمی‌رساند. متأسفانه مترجم این اشتباه را به پاورقی هم انتقال داده و انبساط و بسط را به معنای خاص اصطلاحی آن توضیح داده که کاملاً زائد و بی‌مورد است. نمونه‌های دیگر این مسامحه‌کاری را در جاهای دیگر نیز

None may intervene between Lover and Beloved, for none but the Lover can bear the burden of the belovedness of the Beloved, and none but the Beloved the burden of the loverhood of the Lover. The Lover cannot dispense with the Beloved, nor the Beloved with the Lover. Yet the desire of the Beloved for the Lover precedes that of the Lover for the Beloved, for it is the charms and enticements of the Beloved that arouse the Lover. The Lover had no desire for the Beloved before his own existence, whereas the Beloved desired the Lover even before the Lover came into being. Thus Karaqani says: "He desired Himself when He desired us." (P. 44)

مترجم علی رغم دقتی که در سراسر ترجمه مراعات کرده است، در اینجا مرتکب بی دقتی شده و لفظ ناز را در «بار ناز معشوقی» و «بار ناز عاشقی» دانسته یا ندانسته حذف کرده است. البته نتایج اضافات شاید به شیوایی ترجمه انگلیسی لطمه می‌زد، ولی به هر حال ناز معشوقی دیگر است و معشوقی دیگر، و ناز عاشقی نیز دیگر است و عاشقی دیگر. از این گذشته، اشتباهی در ترجمه قول ابوالحسن خرقانی رخ داده است که هم اکنون توضیح خواهیم داد.

از بایزید بسطامی نقل کرده اند که گفت: «به چندین گاه پنداشتم که من او را می‌خواهم. خود اول او مرا خواسته بود». این معنی را صوفیه به صورتهای گوناگون نقل کرده اند، و خود نجم‌الدین دایه نیز در فقره‌ای که نقل کردیم همین را می‌خواهد بیان کند. این که روح عاشق شده است به علت روی آوردن معشوق ازل به اوست. اول کشش او بود. خواست او بود. بعد روح عاشقانه روی به معشوق آورد. پس علت میل عاشق به سوی معشوق، روی آوردن معشوق به عاشق بوده است. صوفیه تقدم لفظ «یحبههم» بر «یحبونه» را در قرآن به همین شیوه تفسیر می‌کنند. همین معنی است که اینچنین زیبا توسط شیخ ابوالحسن خرقانی بیان شده است که: «او را خواست که ما را خواست».

متأسفانه ترجمه انگلیسی این معنی را نمی‌رساند. اگر بخواهیم ترجمه انگلیسی را یک بار دیگر به فارسی برگردانیم چنین خواهد شد: «او (یعنی خدا) وقتی ما (یعنی انسان را) می‌خواست، خودش را خواسته بود». و این با کلام ابوالحسن خرقانی از زمین تا آسمان فرق دارد.

انتقادهایی را که از ترجمه مرصادالعباد در اینجا کردیم نمی‌توان به همه کتاب تعمیم داد، چه اینها تنها مواردی بوده است که نگارنده به آنها برخورد، و تعداد آنها نیز در حدی نیست که از ارزش کار مترجم بکاهد. در واقع الگار با ترجمه این کتاب به جرگه محققان و مترجمان بزرگی چون نیکلسون و آربری پیوسته، و آنچه که در ترجمه او هست ولی در ترجمه محققان اروپایی دیگر نیست، دقت و تعهد او در برگرداندن روح اسلامی و معنوی‌ای است که بر این کتاب، مانند هر کتاب عرفانی دیگر، سایه افکنده است. مترجمان غیر مسلمان معمولاً از ترجمه «بسم الله الرحمن الرحیم» و بخصوص عبارات و کلماتی چون «ان‌شاءالله» و «سبحان الله» و غیر ذلک خودداری می‌کنند، چه از نظر ایشان این عبارات و کلمات در کتاب مهم نیست. به همین دلیل هم ترجمه‌های ایشان با همه دقت و امانتی که دارند فاقد روح مسلمانی و عرفانی‌اند. ولی در ترجمه الگار این نقیصه نیست. وی سعی کرده است همه این گونه عبارات و کلمات را به انگلیسی برگرداند. مثلاً هرگاه مؤلف گفته است: «قال الله تعالی»، مترجم صرفاً آن را به «God said» ترجمه نکرده است، بلکه لفظ «Almighty» را در ازای تعالی به کار برده است. هر کجا که نام پیامبر ذکر شده و مؤلف بر او درود فرستاده است، مترجم آن را به انگلیسی برگردانده است. «قدس الله ارواحهم» به «may Gods sanctify their spirits» و «جل و علا» به «Glorious and Exalted» و «ان‌شاءالله تعالی» به «God Almighty willing» ترجمه شده است. این همه دقت در ترجمه و وفاداری به روح اسلامی کتاب، بی‌شک نتیجه تعهد اسلامی مترجم است. خواننده مسلمان از همان لحظه که این کتاب را باز می‌کند و با ترجمه «بسم الله الرحمن الرحیم» در صفحه نخست آغاز می‌کند روح اسلامی و معنوی حاکم بر ترجمه را احساس می‌کند و همین که دقت علمی و هنرمندی مترجم را در بیان دقایق عرفانی به یک زبان اروپایی مشاهده کرد نمی‌تواند از تحسین او به موجب موفقیتی که نصیبش شده است خودداری کند.